

## تولید انرژی پاک به گستره دانشگاه آزاد



در پیام های رئیس هیأت مؤسس و رئیس دانشگاه آزاد اسلامی تاکید شد

## خون سید مقاومت سنگ بنای نابودی رژیم منحوس خواهد بود

مقاومت مستحکم تر از قبل خواهد شد و آرمان آزادی پروپاتر و درخشنده تر از همیشه در اندیشه آزادگان جهان ماندگار خواهد ماند و راه این مجاهد فی سبیل الله و جبهه مقاومت از این پس قدرتمندتر و با عزمی راسخ تر ادامه خواهد داشت. سران رژیم جنایتکار صهیونیستی بدانند که با این ترورهای ناجوانمردانه که در سایه حمایت آمریکا و سکوت معنادار مجامع بین المللی اتفاق می افتد، ذره ای از اراده و ایمان مقاومت و مسلمانان در مقابله با ظلم و جنایات این رژیم سفاک کاسته نخواهد شد. در پایان، اینجانب عروج آن شهید عزیز و سید مقاومت و مجاهد خستگی ناپذیر، سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله لبنان و جمعی از فرماندهان مقاومت را به ساخت مقدس صاحب الزمان (عج)، ولی امر مسلمین جهان حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی)، جهان اسلام، جبهه مقاومت، ملت شریف ایران و لبنان تسلیت عرض نموده و از خداوند سبحان برای ایشان مغفرت و علو درجات مسالت می نمایم.

دکتر طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی نیز در پیام خود با محکوم کردن اقدام تروریستی رژیم صهیونیستی تاکید کرد: خون پاک این شهدا سنگ بنای نابودی این رژیم منحوس در منطقه خواهد بود.

متن پیام رئیس دانشگاه آزاد به شرح ذیل است:

باسمه تعالی

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَتَلَ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَتَّقُز وَ مَا يَدْعُوا تَدْيِداً

خبر شهادت مجاهد سرافراز اسلام والمسلمین سید حسن

نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان و سردار سیدعباس نیلفروشان، فرمانده ققید عملیات سپاه قدس را به همراه جمعی از فرماندهان ارشد جبهه مقاومت و مردم بی دفاع لبنان در منطقه ضاحیه به دست جنایتکاران سفاک صهیونیست موجب تأسف و تألم شد. این جنایت و کشتار گسترده غیرنظامیان و اعضای جبهه مقاومت اسلامی از سوی رژیم صهیونیستی در لبنان و نوار غزه ثابت کرد که دزدگی و ترورهای این رژیم جعلی پایان ندارد و مطمئناً دولت های غربی به ویژه آمریکای جهان خوار هم دست این تروریست هانند و باید پاسخگوی اعمال خود باشند. ترور رهبر حزب الله و نیروهای مقاومت در حملات روز گذشته به لبنان، ضرورت اتحاد و همبستگی مسلمانان و دولت های منطقه را برای خنثی سازی توطئه های این رژیم منحوس می طلبد، بی تردید وعده الهی در قبال ظالمان و مستکبران تحقق پیدا خواهد کرد. اینجانب شهادت اسطوره مقاومت، سید حسن نصرالله و همزمان ایشان در جبهه مقاومت و مردم بی دفاع لبنان را محضر حضرت ولی عصر (عج)، رهبر انقلاب، خانواده های شهدای داغدار این جنایت ددمنشانه و مردم شریف لبنان تسلیت گفته و برای همه شهدای گرانقدر علو درجات و رحمت واسعه الهی رامسألت دارم. به یقین خون پاک این شهدا سنگ بنای نابودی این رژیم منحوس در منطقه خواهد بود. ما دانشگاهیان بالیکه به پیام حضرت آقا هر چه در توان داریم جهت پیروزی جبهه مقاومت و حزب الله سرافراز به کار خواهیم گرفت و ان شاء الله روز به روز این نصرت برای غلبه بر رژیم صهیونیستی بیشتر می شود.

۲۷ درصد سرمایه گذاران خطرپذیر آمریکا روی AI سرمایه گذاری می کنند

# زرق و برق هوش مصنوعی در چشم VC ها



دانشجویان دانشگاه های کشور انزجار خود را نسبت به حمله تروریستی رژیم صهیونیستی ابراز کردند

# قیام دانشگاه در خون خواهی نصرالله

### بخش سی وهشتم

رئسناس ایران؛ دانشگاه ملی ایران و شاه

### زمزمه تشکیل دانشکده اقتصاد در جلسه با بانکدارها

و در عمل کار یاد بگیرند. بانک ملی و سایر بانک ها هم بود چه ای برای این کار ندارند.»
دیدم خوب موقعیتی پیش آمد تا با کوبیدن این مرد بی سواد، بقیه حساب کار خودشان را بکنند. گفتم شما طوری صریح و نسنجیده سخن گفتید که من ناچار بدون رعایت پاره نراکت ها جواب بدهم. اولاً اینکه گفتید شما با مختصر سوادی به مدیریت کلی بانک ملی ایران رسیدید، مقصود ما از تشکیل دانشکده این است که این قبیل اشتباهات تکرار نشود(خنده شدید حضار). شما که به عنوان مدیر بانک ناشر اسکناس پای اسکناس ها را امضا کرده اید اصولاً بفرومایید پول یعنی چه و تئوری پول چیست؟ و ثانیاً اینکه گفتید برای این کار بانک ملی و سایر بانک ها بود چه ندارند، اگر چنین است چرا بانک ملی قراردادی با دانشکده حقوق دانشگاه تهران منعقد کرده که ۲۰۰ هزار تومان بدهد به دانشکده مذکور برای تعلیم پاره ای مواد به عده ای که بانک معرفی می کند. سایر بانک ها هم که روسای شان در جلسه حاضرند، چگونه شما به وکالت از طرف آنها می گویند بود چه ندارند؟ چرا خودشان صحبت نمی کنند؟

این مطالب که با پاره ای اصطلاحات علمی بیان شد، طوری پیشوای بانک ها را از پا درآورد و رنگ پریده جای خود نشاند که تا آخر جلسه جز چرب زبانی و مزاح چاره برای خود ندید. سپهبد آق اولی و دکتر علی نقی فرمانفرمایان هم به حمایت من بیاناتی کردند و بالاخره یک نفر گفت ما باید با هیات مدیره بانک مان مشورت کنیم و آنها تصمیم بگیرند. در پایان علاه با مشورت در گوشی با سپهبد آق اولی گفت پیشنهاد می کنم با تصویب هیات مدیره، هر بانک ۳۰ هزار تومان به تشکیل دانشکده کمک کند و بانک ملی ۲۰۰ هزار تومانی را که بنا است به دانشگاه تهران بدهد، به دانشکده ملی بپردازد. من گفتم اجازه بفرمایید کار دانشگاه تهران با ملی مخلوط نشود و بانک هر تعهدی را جمع به دانشگاه تهران دارد بپردازد و به دانشگاه ملی هم ۲۰۰ هزار تومان بپردازد و علاه و همین ترتیب پیشنهاد خود را اصلاح کرد و جلسه با قبول گفته علاه از طرف جملگی حضار خاتمه یافت.

بعد از جلسه علاه گفت شما برای عضویت پارلمان خوب هستید. گفتیم: «جنابعالی یک عده عوام بازاری را جمع کرده اید اینجا. جا داشت قبل از اینکه سخن گفتن را به من و کاشانی احاله فرمایید، می گفتید اعلیحضرت نظر دارند به تشکیل این دانشکده کمک مادی بشود. بلاشک همه تعهدی کنبی می کردند و می رفتند و این بحث ها پیش نمی آمد. به نظر من با طرز برداشت و برخورد شما به مطلب، از این جلسه نتیجه ای حاصل نخواهد شد به خصوص که بعد از جلسه یک نفر از این آقایان به دیگری می گفت: «اگر این کار خوبی است چرا بنیاد پهلوی و بانک عمران کمک نمی کنند؟» به نظر من اکنون که کار به این مرحله رسیده بهتر است رئیس بنیاد پهلوی و وزیر فرهنگ را بخواهید و با حضور من به آنها تکلیف کنید و آنها تعهدی بکنند که دیگران بگویند بنیاد پهلوی کمک کرده است. در عمل هم نخواستند چیزی بدهند، مهم نیست من که مطالبه نخواهم کرد. قصد ظاهر و جنبه تبلیغاتی مسأله است. از بانکدارها هم بعداً کتبا و شفاهاً مطالبه خواهیم کرد.» علاه پیشنهاد مرا بدیرفت و گفت با شاه مذاکره می کنم و اگر موافقت کرد اقدام می کنم.

ادامه دارد...

کتاب «رئسناس ایران؛ دانشگاه ملی ایران و شاه» ابعاد مختلفی از جریان تشکیل دانشگاه در ایران و شکل گیری آموزش عالی به شکل و شمایل امروز را تشریح کرده است. کتابی به قلم علی شیخ الاسلام، موسس و رئیس دانشگاه ملی ایران که «فرهیختگان» از اوایل مردادماه بخش های مختلف آن را منتشر کرده که اکنون بخش بخش دیگری از آن را می خوانید.

بعدها به علاه گفتم با دکتر فرهاد ملاقات کردم لکن نگفتم ملاقات حسب توصیه شما بوده و علاه گفت اطلاع دارم و خوشبختانه تلفن زنگ زد و مطلب دیگری پیش آمد و نه از او من نتیجه مذاکرات با فرهاد را پرسیدم و نه من چیزی به او گفتم. ذکر و تکرار منفی ها باعث نفی و توقف کارهاست و یادآوری و تکرار مثبت ها به وصف العیش، نصف العیش مانند. خود باعث پیشرفت و امیدواری است. من همیشه سعی کرده و می کنم از ذکر منفی ها خودداری و مثبت ها را حتی بیش از آنچه واقعاً هستند بپردازم و جلوه دم، چند روز بعد از ملاقات فرهاد به دیدار سرلشکر ضرغام، وزیر دارایی رفتم و او را مرد مثیبت و خالی از اغراض اقبال و فرهاد و بقیه کسانی که تا آن تاریخ ملاقات کرده بودم، دیدم.

درست است که ملاقات من با سرلشکر ضرغام با تعیین وقت به وسیله علاه انجام گرفت و ضرغام درحقیقت در اجرای امر دربار با من صحبت می کرد لکن وقتی از کم و کیف قضیه مطلع شد، پیدا بود خودش هم به انجام کار متماایل است با لااقل مثل دیگران سردرد نه نه نمیشه را سر نداد و قول داد در اولین فرصت یا صدور تصویب نامه از هیات وزیران، ۵۰۰ هزار تومان به موسسه کمک کند و قید و شرطی هم از قبیل تحمیل دانشجوی مجانی و... ذکر نکرد. هفته بعد جلسه روسای بانک ها که علاه دعوت کرده بود در دربار تشکیل شد ۲۳ نفر از روسای بانک های دولتی و خصوصی در این جلسه شرکت کرده بودند و علاه به من گفت مطالب تان را بگویند و من ضمن بیاناتی گفتم: «سیستم بانکی ایران با توسعه قابل ملاحظه ای که از لحاظ کمی پیدا کرده از لحاظ کیفی در مراحل بسیار ابتدایی و... منطبق با احتیاجات زمان است و لازم به نظر می رسد از عده بسیار معدودی که عالم به مسائل پول و بانکداری و حسابداری و اقتصاد و علوم مربوط به آند، دعوت کنیم در یک دانشکده جمع شوند تا عده ای را برای گرداندن و مدیریت کردن بانک ها تربیت کنند. به علاوه در همین سطحی که در حال حاضر بانک ها اداره می شوند کمبود کارمند بسیار محسوس و جذب و برون کارمند به وسیله بانکی از بانک دیگر، به عنوان مشکل روز بانک ها مطرح است و حل این مشکل را می توان به عهده دانشکده محول کرد که صلاحیت تعلیم و تربیت کادر در سطح متوسط و عالی را برای بانک ها داشته باشد.»

در آن موقع هنوز بانک مرکزی تاسیس نشده بود و مدیرکل بانک ملی پیشکسوت و درحقیقت مسخنگوی بانک ها بود و ابراهیم کاشانی، مدیرکل بانک ملی در جواب اظهارات من گفت: «نه مدرسه بانکداری دیده ایم و نه اقتصاد خوانده ایم! آستین بالا زده ایم و از تحویلداری بانکداری به مدیرکلی رسیده ایم و کار بانک و حسابش کار لیسانسه و دکتر نیست، باید اشخاصی با سواد خواندن و نوشتن معمولی بیایند